



کوی و بازار غم‌آلوده و سرد
شادی و همه‌همه را برده ز یاد
آنچه بر هم زن این خاموشی است
خشم بوران بود و ناله باد

باید از سردی و سختی زمستان گذشت و پا به عرصه بهار
نهاد و این همان طبیعت انسانی است که اگر هوس پا بیرون
نهادن از درون شرمسار خود نکند، روح پرسیلابتی را در خود
نمی‌پروراند. کسانی صدای ترنم باران بهاری را خواهند شنید که
وزش باد و بوران زمستانی را پشت‌سر گذارند. به قولی:

این بوی روح‌پرور از آن کوی دلبر است
وین آب زندگانی از آن حوض کوثر است
بوی بهشت می‌گذرد یا نسیم دوست
یا کاروان صبح که گیتی معطر است

در تابستان، ملت بزرگ ایران دگردیسی دیگری را پشت‌سر
گذاشت و دولتی را جایگزین دولتی دیگر کرد و این؛ یعنی
افزایش امید به آینده بهتر؛ چنان‌که رئیس‌جمهور جدید، دولت
خود را دولت تدبیر و امید خواند. و بیشترین امید این مرز و بوم،
توجه درست به آموزش و پرورش که سازنده بنیادهای اساسی
است، می‌باشد. ساختن نسل آینده‌ساز- در کنار خانواده- وظیفه
این نهاد مؤثر است. فراز و نشیب این سازمان با بالا و پایین رفتن
ارزش‌ها در جامعه همراه است. بنابراین، اگر نهاد آموزش و پرورش
نسلی تربیت کند که مجهز به توان و روحیه خدمت باشد، جامعه
آینده از این خدمات به‌نحوی برخوردار می‌شود که آسیب‌ها و
ناهنجاری‌های اجتماعی در آن به حداقل می‌رسد و در صورت
رخداد حوادث احتمالی، پیامدهای آن زودتر به کنترل درمی‌آید.
از مهم‌ترین مشخصه‌های یک آموزش و پرورش پویا،
برنامه‌ریزی جامعی است که در آن دانش‌آموز تک‌بعدی پرورش
نیابد و توانایی‌های او فقط در یک زمینه گسترش نیابد. از
زمانی که بزرگانی مثل افلاطون و ارسطو- در زمان‌های دور- و
سایرین مثل ژان ژاک روسو و پیازه در عصر نو- آموزش و پرورش
را توصیف کرده‌اند، مهم‌ترین بعد آموزش و پرورش را پویایی
آن برشمرده‌اند. مدینه فاضله‌ای که همگان در طرح و نظریه
خود- از آموزش و پرورش تصویر کرده‌اند، جامعیت آموزشی و
در کنار هم چیدن هدف‌های شناختی، عاطفی و بدنی- در
کنار هم- مدنظرشان بوده است. تاریخ آموزش و پرورش سراسر
پر از اندیشه‌های رنگارنگی است که برای جامعه عمل پوشاندن
به این هدف‌ها، توصیه‌های راهبردی دارد و باز همان تاریخ
نشان می‌دهد برای کمی‌سازی هدف‌های شناختی، عاطفی و
بدنی و تلفیق آن‌ها در کنار یکدیگر- به‌گونه‌ای که رشد یکی با
آهنگ کند رشد دیگری همراه نباشد- با مشکلات زیادی روبه‌رو
بوده است. با این همه، تاریخ معاصر آموزش و پرورش، با انجام

ورزش دانش‌آموزی، تدبیر و امید

در فصلی هستیم که بساط رقص گل‌ریزان و برگ‌ریزان
پاییزی به انتها رسیده و نوبت رقص دانه‌های سفید برف شده
است که با خود سپیدی را جامه شهر می‌کنند و زمان بیشتری
به نیمه دوم شبانه‌روز؛ یعنی شب داده می‌شود. نوبت اکنون
از آن فصلی است که کودکان در آن شادی‌های زندگی را با
سر خوردن در لایه‌لایه برفی می‌جویند که روح جاودانگی و
سرزندگی را برایشان به ارمغان می‌آورد. اما برای بزرگسالان،
پر از خاطراتی است که در کنار آتش جان‌نواز، عشق به زندگی
را برای آنان از نو بازسازی می‌کند و گاه‌گاهی زمزمه می‌کنند:

زمستان را بود شب‌های دلکش
کنار دوستان پاک و بی‌غش
صدای ضرب باران پشت شیشه
نوا گرم یاران پای آتش

در فصلی هستیم که بعضی درختان، تن خود را از انبوه
برگ‌های سبز تابستانی زده‌اند و در آرامشی‌اند که برای احیای
مجددشان در بهار در پیش‌رو ضروری است. در فصلی هستیم
که آب پشت در پشت به عمیق‌ترین حفره‌های زیرزمینی
سرازیر می‌شود تا در فردایی که طبیعت زنده می‌شود، از حیات
پایان‌ناپذیر پشتیبانی کند. با این همه، فراموش نکنیم در فصلی
هستیم که گاه ناله‌های باد به زوزه‌های گزنده‌ای تبدیل می‌شود
که خواب خوش شبانه را از چشم می‌رباید و سردی شبانه‌گام
تا استخوان نفوذ می‌کند و غمناکی هم‌نشین دل‌هایی می‌شود
که خود چنین نمی‌خواستند و یا با سختی به انتظار می‌مانند تا
طلوع خورشیدی هر چند ناتوان را صبح هنگام در آغوش بگیرند.
برای اینان، زمستان چنین است:

برف می‌بارد و شب تاریک است
ماه پنهان شده در زیر نقاب
کوچه‌ای خلوت و غمناک و خموش
شهر پرغله رفته است به خواب

آزمایش‌های فراوان میدانی و آزمایشگاهی، راهبردهای نوینی را در دستیابی به هدف‌های آموزشی و پرورشی ارائه داد که در گذشته بیشتر جنبه نظریه داشت و در مقابل موافقان، گاهی مخالفان نیز نظریه‌آرایی می‌کردند و آموزه‌های آن‌ها را به چالش می‌کشیدند. از راهبردهای عصر جدید آموزش و پرورش که قابل کتمان نبود و علم آن را به اثبات رساند و جزو نظریه‌های اصلی روشنفکران دوره‌های گوناگون آموزش و پرورش در گذشته نیز به‌شمار می‌رفت، تربیت از راه بدن است که در تاریخ معاصر، تربیت‌بدنی نام گرفت و با شروع قرن نوزدهم جزء انفکاک‌ناپذیر آموزش و پرورش شد. ولی، هنوز درباره روش‌های رسیدن به اصل ضروری هدف‌های تربیت‌بدنی در آموزش و پرورش همسویی کاملی دیده نمی‌شود. نمونه‌های بارزی از این عدم هم‌سویی‌ها را دست‌کم در سه دهه اخیر در آموزش و پرورش کشورمان می‌توان دید. برای گسترش عامل یا پدیده‌ای در نظام‌های اداری، طراحی یک سازمان کارآمد از ابتدایی‌ترین اقدامات به‌شمار می‌رود که این ساختار تشکیلاتی درباره ورزش دانش‌آموزی در این سه دهه نوسانات زیادی داشته است. این بالا و پایین شدن‌ها در بخش ستاد، به فاصله‌ای کوتاه یا کمی بعدتر، آثار خود را بر عملیات اجرایی تربیت‌بدنی و ورزش دانش‌آموزی در بخش صف به‌جا گذاشته است. چه می‌شود کرد تا با تغییر دولت‌ها و به‌تبع تغییرات احتمالی در کل نهاد آموزش و پرورش، ساختار ورزش دانش‌آموزی در جایگاه صحیح خود قرار گیرد و تغییر نکند. جامعیت آموزش و پرورش - مدنظر فلاسفه دیروز و نظریه‌پردازان آموزش و پرورش نوین - با این تغییرات مغایرت دارد، ولی این به‌معنای مخالفت با نوآوری‌ها در آموزش و پرورش نیست. تحول، نوآوری و تازه‌سازی از اصول قطعی آموزش و پرورش و محصول تجربه‌ها و آزمایش‌هایی است که درباره آموزش و پرورش انجام می‌شود، ولی سؤال این است چه تحقیقاتی و نتایج احتمالی آن‌ها باعث می‌شود که در یک دولت، متولی ستاد وصف ورزش دانش‌آموزی در یک دوره زمانی مشخص دگرگون شود؟ از موارد دیگر، اهتمام به کتاب درس دانش‌آموزی برای درس تربیت‌بدنی در مدارس است. در دوره‌ای تب تولید کتاب درسی چنان فراگیر می‌شود که قبل از برنامه‌ریزی جامع، اقدامات اجرایی آن شروع می‌شود و به فاصله کوتاهی دیدگاه دیگری پدیدار می‌شود که از بن‌مایه با تولید کتاب درسی تربیت‌بدنی برای دانش‌آموزان مخالف است. در اینجا نیز سؤال این است، این افراط و تفریط را چگونه می‌شود کنترل کرد؟

با گذر از این یادآوری‌های ناخوشایند، واقعاً تدارک دولت تدبیر برای آموزش و پرورش در کلان و درمورد ورزش دانش‌آموزی در جزء چیست؟ بدون تردید از محورهای بحث در دو دهه اخیر که به‌نوعی با راهبردها و هدف‌های ورزش

دانش‌آموزی ارتباط تنگاتنگی دارد، وجود پدیده چاقی و اضافی وزن و شیوع گسترده آن - بنا بر شواهد و آمار متقن - در سنین کودکی، نوجوانی و جوانی است. این موضوع، از دسته موضوعات حادث و تحمیلی است که موضوعیت آن برای جامعه و به‌تبع آن برای آموزش و پرورش از موضوعات نو است و جامعه در کل و آموزش و پرورش به‌طور خاص و ورزش دانش‌آموزی به‌ویژه باید بدان وارد شود و برای مهار آن برنامه‌ریزی کند، به‌گونه‌ای که اجرای برنامه‌های تلاش‌های دیگر سازمان‌های مرتبط را تکمیل کند. این وظیفه از جمله وظایف نهاد آموزش و پرورش است که بدون همکاری مؤثر نهاد خانواده و سایر نهادهای مسئول دیگر، ره به جایی نخواهد برد. هدف از یادآوری این مطالب، تعیین تکلیف برای دولت تدبیر و امید در حوزه ورزش دانش‌آموزی نیست. بلکه برای آن است که چرخ ورزش بتواند در این حوزه بیش از گذشته روان به حرکت درآید، ذکر این مسائل فقط دغدغه‌هایی است که باید بدان نگرست و برای آن‌ها تدبیر کرد.

خوشبختانه، گسترش دانش روز درباره مسائل تربیت‌بدنی و دسترسی به نیروهای تحصیلکرده در حوزه تربیت‌بدنی، فرصتی است که دولت تدبیر و امید می‌تواند از آن حداکثر بهره را ببرد. بدین ترتیب، اولاً می‌تواند مبانی نظری تربیت‌بدنی را با این پشتوانه علمی تقویت کند تا نگرش‌ها و بینش‌ها نسبت به این موضوع پایدار شود و بیش از همه نهاد خانواده را بدان حساس کند. سپس با برنامه‌ریزی جامع، امور اجرایی درس تربیت‌بدنی در مدارس را به عهده کسانی واگذار کند که با مجهز بودن به دانش روز، انتظارات جدید از درس تربیت‌بدنی را در زمان امروز جامعه عمل ببوشانند.

نگارنده این سطور، فراتر از سه دهه است که راهبردی دقیق و روشن را برای ورزش دانش‌آموزی می‌جوید و با وجود دیدن کم و زیاده‌ها در این حوزه، همیشه آرزویش رسیدن به نقطه امیدی بوده که آفت نبیند. اکنون با استقرار دولت تدبیر و امید - هرچند در گذشته هیچ‌گاه شرایط را سیاه، و حتی خاکستری، ندیده است ولی امید خود به آینده را در این شعر اهلی شیرازی می‌جوید:

خوش باش که روزی گل امید برآید
روشن شود این ظلمت و خورشید برآید
بی‌نور نماند شب تاریک کس آخر
گر مه نبود صبر که ناهید برآید
از غیر مجو فیض محبت که محال است
وین میوه محال است که از بید برآید
نومید مشو «اهلی» از ایام که آخر
مقصود شود حاصل و امید برآید

سردبیر